



گفت‌وگوی «ایران» با رتبه‌های زیر هزار کنکور ۱۴۰۱ درباره عدالت در کنکور و مزایا و معایب مصوبه ۱۴۰۲ کنکور سراسری

بدون هزینه‌های میلیونی، موفقیت هرگز!

نیز مشخص شده است. هر چقدر مصوبه جدید کنکور خوب باشد اما به نظر می‌رسد مبهم بودن اجرای آن حداقل در سال اول استرس داوطلبان را افزایش می‌دهد.

صفحه ۲۲ را بخوانید

پرونده کنکور ۱۴۰۱ بسته شد و خبرها حاکی از آن است که کنکور ۱۴۰۲ با تغییرات گسترده‌ای در راه است. از جمله تأثیر قطعی معدل، حذف دروس عمومی از کنکور، برگزاری دوبار کنکور در سال که حالا زمان هایش

سامان فلاح، کاپیتان تیم فوتبال امید در گفت‌وگو با «ایران»:
با این برنامه‌ریزی همچنان در حسرت المپیک می‌مانیم
مهدوی‌کیانگه مدرنی به فوتبال دارد و امیدواریم کیا در تیم امید بماند
عدم اعزام تیم به قوتبه باعث ناراحتی بازیکنان و کادرفنی شد
پنجمین دوره بازی‌های همبستگی کشورهای اسلامی در حال برگزاری است و نمایندگان کشورمان در رشته‌های مختلف در حال رقابت با ۵۷ کشور در ترکیه هستند. یکی از نکات منفی کاروان ایران در این دوره از بازی‌ها عدم اعزام تیم فوتبال امید به مسابقات بود...



حنیف طاهری مباح اهل بیت در گفت‌وگو با «ایران»
از باید و نباید‌های شعرهای عاشورایی می‌گوید
جای خالی اشعار فاخر آیینی در مداحی‌های امروز
ادبیات عاشورایی آثاری مربوط به واقعه عاشورا است که در قالب گزارش‌های مکتوب تاریخی، اشعار و مرثی، ادبیات نمایشی و داستانی دسته‌بندی شده و قرن‌های قرن مانند عزای حسین (ع) زیسته و به امروز رسیده است.

پررسی نقشه‌های ماسواره‌ای سیل امامزاده کاوود و میزداران شایان داد
پای «رود خواری» در میان است
سیل پدیده‌ای طبیعی و حتی لازم است، اگر سیل نبود ما از بسیاری از چشم اندازهای زیبای زمین محروم بودیم. شکل‌گیری رودخانه‌ها و دره‌ها و همچنین بر شدن تالاب‌ها و حاصلخیزی خاک دشت‌ها از دستاوردهای طلالی سیل است. ایران از نظر اقلیمی کشوری است با آب و هوای قاره‌ای که چندین جبهه آب و هوایی در ساختار اقلیمی آن تأثیر دارد. از طرفی به دلیل قاره‌ای بودن، آستانه‌های اقلیمی در ایران بسیار گسترده و رخدادهای اقلیمی غیر قابل پیش‌بینی است. مردمانی که در فلات ایران زیست می‌کردند، خوب می‌دانستند که چگونه با این شرایط کنار بیایند.

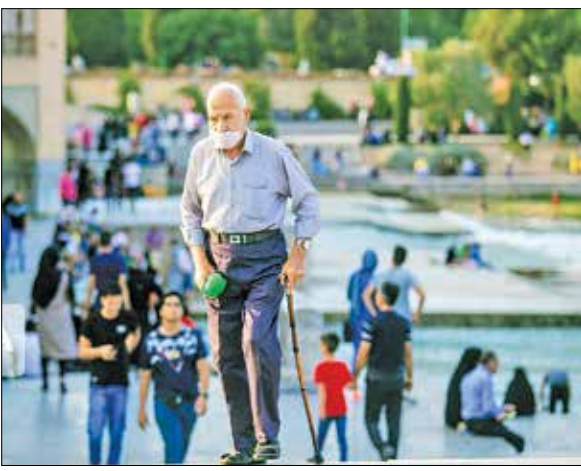


تحقق وعده دولت مردمی در اجرای یک پروژه ناتمام
آب طالقان به آبیگ رسید
جمهور در آستانه یک‌سالگی دولت سیزدهم است که تحقق آن آزموننی برای تعهد دولت مردمی بر انجام قول‌ها و قرارهایش با مردم است. رؤیایی که پیش از این در دولت قبیل به پهنانه خالی بودن خزانه، رنگ و بوی فراموشی به خود گرفته بود.

گزارش «ایران» از وضعیت مناسب‌سازی فضای شهری برای معلولان
تردد پرتوقف در شهر
وقتی حرف از مناسب‌سازی شهر به میان می‌آید همه ذهن‌ها به سمت افراد دارای معلولیت می‌رود؛ به سمت کسانی که روی ویلچر نشسته‌اند و با سختی در شهر تردد می‌کنند، اما مناسب‌سازی فقط برای افراد دارای معلولیت نیست. هر شهروندی برای تردد در شهر به مناسب‌سازی نیازمند است.

سخنگوی فراجا مطرح کرد
تأکید بر افزایش مجازات سگ‌گردانی
سردار حاجیان با تأکید بر اینکه باید مجازات سگ‌گردانی افزایش یابد تا بازدارنده باشد، گفت: مردم می‌توانند مزاحمت سگ همسایه را به پلیس اطلاع دهند. سردار مهدی حاجیان در پاسخ به سوآلی مبنی بر اینکه پلیس در چه صورت با سگ‌گردانی برخورد می‌کند، به مهر گفت: در موضوع سگ‌گردانی آنجایی که موجب رعب و وحشت مردم شود... ۱۹

پدرم از اول کرونا همیشه حتی در خانه هم ماسک می‌زند. حتی وقتی می‌خواهد هم ماسک روی صورتش است به طوری که الان پشت گوشش رد ماسک کاملاً باقی مانده. خیلی به اومی گویم حداقل موقع خواب ماسک را بردار اما گوش نمی‌دهد و این جور خیالش راحت است و می‌تواند آرام بخوابد. مانده‌ام چطوری توی خواب نفسش نمی‌گیرد



سال بالا ندیدیم که واکسن نزده باشد یا نخواهد واکسن بزند. همان موقع هم از صف‌های طولانی چند ساعته معلوم بود که همه می‌خواهند واکسن بزنند. یادم است نوبت واکسن ما متولدین دهه ۳۰ که بود، خانمی را آورده بودند که ۹۰ ساله بود و تعجب کردیم که چرا قبلاً واکسن نزده که نوه‌اش گفت کسی نبوده او را برای واکسن زدن ببرد و همه‌اش هم توی خانه بوده اما به محض اینکه فرصتی پیدا شده بود، آورده بودند واکسن بزنند. می‌خواهم بگویم ما به هر حال همه کارهایی را که گفته بودند انجام دادیم و هر چقدر هم گفتند واکسن زدیم برای همین برای ما مهم است که همچنان مراعات کنیم تا بیمار نشویم. من از یک خانمی که همان‌جا توی صف بود شنیدم که فامیل شان در آلمان گفته واکسن نمی‌زند و سن و سالش هم بالاست اما اینجا من که کسی را ندیدم در سن بالا واکسن نزنند. اتفاقاً همه پیگیر هستند و هروقت اعلام می‌شود باید دوز جدید بزنند خیلی زود مراجعه می‌کنند. هر که را من دیده‌ام و می‌شناسم همین‌طور است.»
رعایت پروتکل‌ها از سوی سالمندان اما گاهی به‌صورت وسواس گونه هم درمی‌آید و حالتی افراطی به خود می‌گیرد. مثل روایت مردی جوان از پدر ۷۱ ساله‌اش: «پدرم از اول کرونا همیشه حتی در خانه هم ماسک می‌زند. حتی وقتی می‌خواهد هم ماسک روی صورتش است به طوری که الان پشت گوشش رد ماسک کاملاً باقی مانده. خیلی به او می‌گویم حداقل موقع خواب ماسک را بردار اما گوش نمی‌دهد و این جور خیالش راحت است و می‌تواند آرام بخوابد. مانده‌ام چطوری توی خواب نفسش نمی‌گیرد. فکر می‌کنم دیگر به وجود همیشگی ماسک عادت کرده.»

می‌دهد و می‌گوید ببینید من چهار دوز واکسنم را زده‌ام. حتی خانه ما هم که می‌آید کارت واکسنش را درمی‌آورد و فکر می‌کنم خودم جای آنها هستم. توی خیالش با زن میانسالی که کیسه بزرگ سبزی را به خانه می‌برد، از پله‌ها می‌بالا می‌رفت و در خانه را باز می‌کرد و پای بساط سبزی پاک کنی و چای بعدش می‌نشست. با خانواده پنج نفره ساکن آپارتمان روبه‌روی سوار ماشین می‌شد و به پارک می‌رفت و به تماشای بازی بچه‌ها می‌نشست. در قالب دختر جوانی می‌رفت که همیشه دم در بند کفشش را می‌بست و توی شرکتی کار می‌کرد که به او حقوق خوبی نمی‌دادند و پدرش می‌گفت رفتن ندارد اما دختر می‌خواست پول دربیآورد و دستش توی جیب خودش باشد.
مادر بزرگ همه را می‌دید و خودش را می‌گذاشت توی داستان‌های زندگی معمولی آن آدم‌ها. او زندگی را خیلی دوست داشت و شاهدش اینکه از وقتی شنیده بود سالمندان باید روزانه کلسیم مصرف کنند و سه لیوان شیر بخورند، شیر روزانه‌اش ترک نمی‌شد و به همه هم توصیه می‌کرد همین کار را بکنند. او راستی راستی عاشق زندگی بود و آنقدر زندگی کرده بود که ارزش واقعی آن را بداند.

وقتی خانه پدر و مادرم می‌رویم، مادرم ماسک نمی‌زند اما پدرم در همه حال ماسک زده است. فقط موقع غذا خوردن و وضو گرفتن ماسک را درمی‌آورد. گاهی یک ماسک را چند روز متوالی به‌صورت دارد و به او می‌گویم حداقل ماسکت را عوض کن ولی پدرم قواعد خودش را دارد. این کار بیشتر برایش حالت روانی دارد و خیالش را راحت می‌کند. هر چهار دوز واکسن را هم زده و دوز چهارم را بلافاصله بعد از اینکه اعلام شد. حتی به ما نگفت دارد می‌رود واکسن بزنند. پدرم هر جا می‌رود کارت واکسنش را با افتخار نشان



رعایت پروتکل‌های بهداشتی از سوی سالمندان، گاه رنگ افراط می‌گیرد
پدرم با ماسک می‌خواهد
شکل تردد دیگر تقریباً به چشم همه عادی شده است. در این میان اما کمتر سالمندی را می‌شود دید که ماسک بر چهره نداشته باشد. اگر هم ماسک را پایین داده، مثل مادر بزرگی که وصفش را خواندید، تنها برای چند لحظه است.
دانه‌های درشت عرق روی پیشانی‌اش زیر نور چراغ برق می‌زند. هراز گاهی دست می‌کند توی موهای سفید تُنگ که از گرما به سرش چسبیده است. حدوداً ۷۰ ساله به نظر می‌رسد و در بازار بزرگ حجره‌دار است. ۵۰ سال است هر روز از خانه راهی بازار می‌شود و به قول خودش در زندگی‌اش هیچ روزی نبوده که کار نکرده باشد غیر از زمانی که کرونا بازار را تعطیل کرد. «ما که آن روزهای تعطیلی بازار توی خانه بودیم دائم هم خودم و هم خانم. ممنوع کرده بودم که بچه‌ها اصلاً نیایند چون مادرشان ریه‌اش مریض است. فشار ریه‌اش همین‌جوری بالاست، دیگر خدا نکند کرونا هم بگیرد. خیلی مراعات کردیم و هنوز هم مراعات

